خراسان بزرگ: سال هشتم، شماره (۲۷)، تابستان ۱۳۹۶
Quarterly bulletin of Greater Khorasan: Vol.۸, No.۲۷, Summer ۲۰۱۷

بررسی عوامل مؤثر در گسترش شهرهای خراسان بزرگ بین سده‌های سوم تا هفتم هجری قمری*

منصوره صاحبی بزاز[۱]
احمد تندی[۲]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۱/۱۷
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۱/۲۲
شماره صفحات: ۲۸-۱۵

چکیده

مباحث مرتبط با مطالعات تاریخ شهرهای ایران و بررسی علل گسترش شهرها جزء با اهمیت‌ترین موضوعات در هر دوره تاریخی است. یکی از این موقعیت‌های جغرافیایی- تاریخی، منطقه خراسان‌بزرگ در طول سده‌های آغازین ورود اسلام به ایران است. پژوهش حاضر، در پی پاسخ برای یافتن عوامل گسترش شهرهای خراسان‌بزرگ در این دوره است. بر اساس یافته‌های مستند، این منطقه در طول سدهای بعد از اسلام به علت داشتن شرایط اقلیمی مناسب و نیز واقع شدن در مسیرهای تجاری دارای شرایط ویژه بود. ضمن آنکه به علت همجواری با سرزمین اقوام بیابان‌گرد ترک، از مهم‌ترین ثغور مملکت اسلامی محسوب می‌شد. از این‌رو همواره از طرف حکومت‌ها و مردم مورد توجه بود و جمعیت فراوانی را به خود جلب می‌کرد. می‌توان مهم‌ترین عوامل گسترش شهرهای خراسان‌بزرگ در طول سده‌های سوم تاهفتم‌ه.ق.، داشتن شرایط اقلیمی- طبیعی مناسب، توجه به موضوع محافظت از ثغور سرزمین اسلامی از طرف دولت‌ها و توجه به اهمیت تجاری شهرهای سرحدی دانست. این شهرها، بر سر راه‌هایی واقع بود که از طریق آن مردم منطقه می‌توانستند با دیگر نقاط مبادلات اقتصادی- تجاری برقرار کنند. موقعیت امنیتی- اقتصادی شهرهای خراسان بزرگ در طول سده‌های سوم تاهفتم ه.ق. آنچنان دارای اهمیت بود، که شهرهایی چون بخارا و نیشابور، به عنوان پایتخت انتخاب شدند و اهمیت سیاسی یافتند. روش تحقیق: منطبق بر روش توصیف،تحلیل و استنباط اطلاعات، بر پایه مطالعات کتابخانه‌ای به انجام رسیده است. کتب تاریخی، مقالات و پژوهش‌های معاصر مرتبط داخلی و خارجی جهت دست‌یابی به اهداف مقاله مورد بهره‌برداری قرار گرفته است.

واژه های کلیدی: خراسان بزرگ، گسترش شهرها، امنیت، تجارت.

*** این مقاله مستخرج از رساله دکتری در رشته پژوهش هنر باعنوان: شهرسازی خراسان و ماوراءالنهر از سده۹تا۱۳/۳تا۷ است.**

۱. دکترای پژوهش هنر- دانشگاه ملی تاجیکستان- دانشگاه هنر تهران sahebi_٤٦@yahoo.com
۲. استادیار دانشکده هنرهای کاربردی دانشگاه هنر تهران ahmadtondi@gmail.com

مقدمه

تحقیق در تاریخ پیدایش و چگونگی گسترش مناسبات شهری سرزمین ایران به دلیل سابقه طولانی سکونت، امری پیچیده است. در این بین «چگونگی گسترش شهرها و دلایل آن» در هر دوره تاریخی یکی از مباحث با اهمیت در مطالعات تاریخ شهرهاست. یکی از این دوره‌های تاریخی: «سده‌های آغازین بعد از ورود اسلام به ایران» است. در این دوره سرزمین ایران با اینکه از نظر مذهبی پذیرای دین اسلام گشته بود، به دلیل سابقه طولانی در امر شهرسازی تصویری متفاوت در آفرینش فرهنگ شهری را به نمایش گذاشت. از اواخر سده سوم‌ه.ق. حکومت-هایی با ریشه‌های ایرانی، قدرت سیاسی ایران را به دست گرفتند. از این‌رو در خلق نمودهای گوناگون فرهنگی از جمله شهرسازی تغییرات چشمگیری واقع شد. زیرا خصوصیات فرهنگی قبل از اسلام ایران با تفکر و باورهای اسلامی امتزاج پیدا کرد. حاصل این امتزاج تحولی چشمگیر در تمام جنبه‌های بصری فرهنگ اسلامی، در ایران بود. پدیده گسترش و آبادانی شهرهای ایرانی خراسان‌بزرگ یکی از این نموده است. بیشتر شهرهای خراسان که در این زمان دارای حیات اجتماعی بودند، در اثر گسترش شهرهای قدیمی و ایجاد تغییرات عمده در بافت آنها رشد یافته بود. شهرهایی که قبل از اسلام بنا گشته بود، بعد از آنکه پذیرای دین اسلام شد، ابتدا خود را با وضع جدید تطبیق داد، سپس با الگو گرفتن از شهرهای نوساز دوره اسلامی کم‌کم دچار تغییراتی شد که شرایط و اوضاع زمانه اقتضاء می‌کرد.(صاحبی‌بزاز، ۱۳۹۴: ۱۳۶) گسترش این شهرها تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار داشت که به نسبت‌های غیره همسان بر روند رشد آنها تأثیر داشت. بر این اساس پرسش اصلی این مقاله چنین است: گسترش شهرهای خراسان‌بزرگ در طول سده‌های سوم تا هفتم‌ه.ق. تحت‌تأثیر چه عواملی واقع شده است؟ به دلیل اینکه موضوع مقاله به صورت خاص عوامل گسترش شهرهای خراسان‌بزرگ را بررسی می‌نماید، از این رو، بعضی از عوامل ذکر شده در علل رشد شهرهای ایران در سده‌های سوم تا هفتم‌ه.ق.، یا در گسترش شهرهای خراسان‌بزرگ نقش نداشته و یا دارای نقش کم‌رنگ‌تری بوده است. که به صورت زیر مجموعه علل اصلی به آنها پرداخته خواهد شد.

روش تحقیق

تحقیق پیش‌رو از نوع هدف، بر اساس پژوهش‌های بنیادی و بر اساس ماهیت و روش، از پژوهش‌های تحلیلی است. برای رسیدن به این منظور، اطلاعات و داده‌های مورد نیاز، از میان منابع و تحقیقات انجام شده قبلی استخراج گشته و برای رسیدن به نتیجه عملی، با دیدگاه استنباط گرایانه به توصیف عوامل تأثیرگزار در گسترش شهرهای خراسان بزرگ در طول سده‌های سوم تا هفتم‌ه.ق. پرداخته شده است. در انتخاب این روش مکتوبات اصیل تاریخی، مرتبط با تاریخ جغرافیایی منطقه خراسان‌بزرگ بیش از دیگر کتاب‌ها مورد بهره برداری قرار گرفته است. پس از جمع آوری اطلاعات خام، با کاربرد روش تطبیق محتوا، مفاهیم مربوط با موضوع جهت استناد در تحلیل‌های ارائه شده بکار برده شده است.

پیشینه تحقیق

تورسون‌زاده (۱۳۷۷) در مقاله‌ای با نام شهرهای ماوراءالنهر در دوره سامانیان به بررسی تاریخ فرهنگی- سیاسی و اجتماعی شهرهای شمال خراسان در دوره سامانیان پرداخته است. در بین محققین معاصر ایرانی بدری (۱۳۹۱) در مقاله تاریخ نیشابور به صورت خاص به بررسی تاریخ سیاسی و اقتصادی- فرهنگی و مذهبی شهر نیشابوردر طول سده‌های بعد از اسلام تا قبل از حمله مغول پرداخته، اما در مورد دیگر شهرهای خراسان بزرگ اشاره‌ای نداشته است. نیز علی‌پور و اروجی (۱۳۹۲) در مقاله: ساخت دفاع شهری ماوراءالنهر در قرون اولیه اسلامی به تحلیل نقش دفاع غیره عامل در محافظت از شهرهای ماوراءالنهر در سده‌های اسلامی پرداخته‌اند. در مورد تاریخ شهرهای ایران یوسفی‌فر چند مقاله منتشر کرده است. از جمله الگوی گسترش کالبدی شهر در سده‌های میانه تاریخ ایران (۱۳۸۵) که به طور کلی به دلایل و نحوه گسترش شهرها در سرزمین ایران اشاره کرده نیز در مقاله: الگوی پیدایش شهر و شهر نشینی در تاریخ ایران (۱۳۸۹) ایشان به دلایل پیدایش و پدید آمدن شهرهای ایرانی از دوره مادها تا دوره معاصر پرداخته‌اند. اما به صورت خاص به موضوع دلایل گسترش شهرهای خراسان نپرداخته است. نیز باستانی‌راد در مقاله واژه شناسی تاریخ شهر در ایران (۱۳۷۴) به مفاهیم و کلماتی اشاره کرده که به معنای واژه شهر از آغاز تا زمان معاصر در ایران کاربرد داشته‌اند. نیز همو در مقاله: کوی (محله) در شهرهای ایرانی سده‌های نخستین اسلامی (۱۳۹۱) به تاریخ پدید آمدن محلات و اهمیت و نحوه شکل‌گیری محلات از نظر تاریخی در کل سرزمین ایران در طول سده‌های میانه پرداخته است. در این بین به صورت مجزا تا کنون تحقیقی به منظور بررسی عوامل خاص تأثیرگذار در گسترش شهرهای خراسان‌بزرگ در سده‌های بعد از اسلام تا قبل از حمله مغول به انجام نرسیده است. پژوهش حاضر به منظور بیان این مهم انجام شده است.

تشریح عوامل رشد و گسترش شهرها در خراسان‌بزرگ

در برشمردن عوامل عمده گسترش شهرهای خراسان‌بزرگ در سده‌های سوم تا هفتم‌ه.ق. مجموعه‌ای از علت‌ها مؤثر بوده‌اند. مهم‌ترین این عوامل که می‌توان دیگر عوامل فرعی را در زیر مجموعه آنها قرار داد عبارتند از: عامل محیطی (جغرافیایی- طبیعت و اقلیم)، عامل نظامی (امنیتی- پدافندی)، عامل بازرگانی (اقتصاد- تجارت)، عامل سیاسی(حکومتی- دولتی و اداری). در این دوره تاریخی به دلیل شرایط ناهمگون و سطح‌های متفاوت رشد مناسبات اقتصادی- اجتماعی در شهرهای مختلف خراسان‌بزرگ، که ناشی از تفاوت‌های جغرافیایی مناطق مختلف با پیشینه متفاوت تاریخی- اجتماعی، اقتصادی، بود، این

عوامل بنا به شرایط موجود به نسبت کمتر یا بیشتر در گسترش شهرها نقش داشته‌اند. که به صورت جداگانه تشریح می‌گردند.

عامل محیطی: (جغرافیایی- طبیعت و اقلیم)

مطالعه در مورد شهرها باید ابتدا از بستر اقلیمی و طبیعی آن شروع شود تا مشخص گردد از محیط خاص طبیعی پیدایش چه نوع شهر و با چه خصایصی را می‌توان انتظار داشت. (کاستلو، ۱۳۷۹: مقدمه) مهم‌ترین عامل در پدید آمدن یا گسترش یک شهر مناسب بودن شرایط اقلیمی و محیط بود. این شرایط شامل: وجود آب، هوای مناسب، وجود زمین مناسب کشت و دیگر شرایط زیست محیطی بود.(حبیبی، ۱۳۷۴: ۴) جا دارد به ترتیب اهمیت تشریح گردد.

وجود آب

اصلی‌ترین شرط طبیعی جایی که شهر در آن گسترش می‌یافت. دسترسی داشتن هر چه بیشتر به منابع آب کافی و در عین حال در امان بودن از خطر طغیان رودخانه‌ها بود. در شهرهای مختلف نحوه آب‌رسانی به مردم تفاوت داشت. تأمین منابع آبی به شکل‌های متفاوت اعم از رودخانه‌ها، چاه یا کاریز انجام می‌شد. رساندن آب به شهر در اصل با طراحی شبکه آب‌رسانی شهر مرتبط بود. چه از طریق حفرجوی‌ها و چه از طریق حفر قنات یا چاه که این بستگی به منبع آب و چگونگی دست‌رسی به آن داشت. دوری و نزدیکی منبع آب به شهر و یا این‌که در جایی بالاتر یا پست تر از شهر قرار داشت، وسایل خود را می‌طلبید، همچنین ساختن آب انبارها و مخازن نگاه‌داری آب از وسایل دسترسی مردم به آب بود (ورجاوند، ۱۳۷۰، ج۴: ۷). در جنوب خراسان‌بزرگ به دلیل داشتن اقلیم نیمه‌خشک همیشه توجه به مسئله تأمین آب شهرها دارای اهمیت بوده است. در شهرهای پوشنگ، سرخس، کالوون، بغشور و... مردم آب خود را از چاه تأمین می‌کردند (اصطخری، ۱۳۶۸،[۳] : ۲۱۵-۲۱۶). (وفات:۳۴۰ه.ق.) در قائن، طبس (اصطخری، ۱۳۶۸: ۱۱۷) در نیشابور مردم از آب کاریز در زیرزمین خانه‌های خود، جهت شرب استفاده می‌کردند (ابن‌رسته، ۱۳۶۵: ۱۶۵) (وفات: بعد از ۲۹۰ه.ق.). اما شهرهایی مانند هرات و بلخ در کنار رودخانه‌ها بنا شده بود و آب به طور مستقیم وارد شهر می‌شد (اصطخری، ۱۳۶۸: ۲۱۸). در ماوراءالنهر به دلیل فراوانی آب و طغیان زیاد رودها، شهرها از آنها فاصله داشت و آب شهر به وسیله کانال‌های دست ساز به شهر می‌رسید. مانند کانال کشی‌های چند ده کیلومتری در خوارزم. (اصطخری، ۱۳۶۸: ۲۳۰) ابن‌حوقل (وفات: بعد از ۳۶۷ه.ق.) و نرشخی (حیات: ۲۸۶ تا ۳۴۸ه.ق.) در باره بخارا اطلاع می‌دهند: در بخارا و شهرهای اطراف آن، آب رودخانه سغد (جیحون) از طریق کانال‌هایی دست‌ساز وارد شهر می‌شد و در دسترس قرار می‌گرفت.(ابن‌حوقل، ۱۳۶۶: ۳۶۵؛ نرشخی، ۱۳۶۳: ۱۶۳) مقدسی (تألیف کتاب: ۳۷۵ه.ق.) اشاره می‌کند که: نهرهای رود سغد از سمت چپ وارد بخارا می‌شد و این شهر و باغستان‌های اطراف آن را آبیاری می‌کرد. (مقدسی، ۱۳۶۱: ۲۰۹/۲) اصطخری می‌نویسد: «در خراسان هیچ شهری خرم و انبوه‌تر از بخارا نیست. زمین‌های سغد و بخارا همه نزدیک به آب است. شاخه‌ای از رود سغد در ربض جریان دارد و ربض را به دو قسمت می‌کند. این نهر مزارع را سیراب و آسیاب‌ها را به حرکت می‌اندازد و محله‌های شهر به آب روان نزدیک است» (اصطخری، ۱۳۶۸: ۲۴۶). بکار گیری افراد متخصص و بهره گرفتن از نیروی انسانی کارآمد به اضافه به عهده گرفتن هزینه به کارگیری این نیروها بدون دخالت مستقیم دولت‌ها ممکن نبود. دولت‌ها وظیفه داشته‌اند که ضمن برنامه‌ریزی در این زمینه هزینه‌های آن را نیز تامین نمایند (مقدسی، ۱۳۶۱: ۴۸۱؛ ورجاوند، ۱۳۷۰: ۷).

در مرحله بعد ماندگاری زندگی شهری به شیوه دسترسی به منابع افزون‌تر آب ارتباط داشت. منابع آب کافی امکان افزایش جمعیت در یک شهر را ممکن و از جهات دیگری نیز آن را پشتیبانی می‌کرد (خیرآبادی، ۱۳۷۶: ۱۱۲-۱۱۳). آب باید آن قدر زیاد می‌بود که اندازه بیش از نیاز فعلی شهر را نیز تامین کند. از این طریق امکان رشد شهر در زمان‌های بعد نیز فراهم بود. مانند شهر مرو یا نیشابور که در تمام طول سده‌های میانه با وجود گسترش‌های پی در پی با مشکل کمبود آب مواجه نشدند (ابن‌رسته، ۱۳۶۵: ۱۶۸؛ حموی، ۱۳۶۲: ۳۱۸) (حموی، حیات: ۵۷۴ تا ۶۲۴ه.ق.). ممکن بود برای تأمین آب کافی برای شهر سدسازی انجام دهند مانند شهر سمرقند (اصطخری، ۱۳۶۸: ۲۴۷) یا مرو (ابن‌رسته، ۱۳۶۵: ۳۱۵؛ اصطخری، ۱۳۶۸: ۲۶۳) که برای جبران کم‌آبی شهر، در دوره ساسانی سدهایی بر روی رودخانه‌های نزدیک شهر بسته بودند. در دوره اسلامی بارها این سدها ترمیم شد. در این روش بعد از جمع کردن آب در پشت سد، آب بر اساس سیستمی از پیش طراحی شده بین تمام قسمت‌های شهر تقسیم می‌شد. « در مرو... و هر محلت را رودی کوچک پخش نهاده‌اند و تخته فروبرده تا بسویت می‌رود. و چنان ساخته‌اند کی آب اگر زیادت گردد همه بخش‌ها زیادتی یابد و اگر نقصان گیرد بسویت از همه پخش‌ها کم گردد و شنوده‌ام قرب هزار مردان است کی عمل آب.»(اصطخری، ۱۳۶۸: ۲۰۷) کیفیت آب نیز باید به گونه‌ای می‌بود که گوارا و قابل شرب باشد. در شهرهایی از خراسان مانند سرخس به دلیل وجود املاح فراوان در آب، شهر به اندازه شهرهای دیگر خراسان گسترش پیدا نکرد. گوارا نبودن آب باعث ایجاد محدودیت در رشد جمعیت شهر و فعالیت‌های عمرانی شهر بود (اصطخری، ۱۳۶۸: ۲۱۶).

اعتدال منطقه و خوش آب و هوا بودن

لطافت هوا از جمله ویژگی‌هایی است که جغرافی‌نویسان مسلمان ضمن بیان محسنات یک شهر به آن اشاره کرده‌اند. برخی از آنها نشانه‌هایی ارائه کرده‌اند که بیان‌گر خوش آب و هوایی یا بد آب و هوایی یک منطقه محسوب می‌شد.(عثمان، ۱۳۶۷: ۱۴۲) جایی برای پایتخت انتخاب می‌شد که از نظر آب و هوا مناسب باشد. برای این کار چه بسا حکام با دانشمندان مشورت می‌کردند. بهترین و مرتفع‌ترین مکان را که در جهت وزش باد شمال بود برمی‌گزیدند و در آنجا عمارت خود را برپا می‌کردند. توجه آنها به مکان‌یابی وزیدن باد شمال به آن جهت بود که می‌دانستند برای سلامتی مزاج و صحت بدن مفید است. ایشان از ساختن شهرهای خود در بیشه‌زارها و زمین‌های پست به این دلیل که غم‌زا و رنج‌آور بود احتراز داشتند (قزوینی، ۱۳۶۶: ۸/۲) (وفات: ۶۸۲ه.ق.). کیفیت هوای شهر تاثیر مستقیمی بر نحوه طراحی خیابان‌های شهر و جهت آنها داشته است. با توجه به اینکه اغلب شهرهای خراسان‌بزرگ در مناطق بیابانی واقع‌اند، تاثیر پذیری این شهرها از آب و هوا در طراحی معماری بناها و خیابان‌ها تا حد بسیار زیادی یکسان بود. از این رو ساختمان‌ها در این مناطق پیوسته و چسبیده به هم، عرض خیابان‌های اصلی زیاد اما کوچه‌های فرعی باریک بود (مقدسی، ۱۳۶۱: ۲۰۷/۲). وصف هوای خوب نیشابور و برتری آن بر دیگر مناطق خراسان (اصطخری، ۱۳۶۸: ۲۰۵)، خوش بودن هوای مرو(ابن‌حوقل، ۱۳۶۶: ۲۰۸)، هوا و خاک درست سرخس(اصطخری، ۱۳۶۸: ۲۱۵)، آب و هوای مناسب کل منطقه ماوراءالنهر و عدم وجود قحط در سراسر ناحیه (اصطخری، ۱۳۶۸: ۲۲۷) از جمله توصیفات در مورد خوشی هوای ناحیه خراسان است. « و گویند کی در همه جهان خوشتر از سه جایگاه نیست: یکی سغدسمرقند، و دیگر رودأُبله و دیگر غوطه دمشق... و سغد خوشتر از رودأُبله و غوطه دمشق است» (مقدسی، ۱۳۶۱: ۲۳۱/۲).

وجود زمین‌های مناسب کشاورزی

یکی دیگر از عوامل راهبردی در هنگام بنای شهر یا گسترش آن علاوه بر وفور آب کافی، وجود خاک حاصلخیز بود. تداوم زندگی در شهرها به تدبیر مربوط به تأمین مواد غذایی آنان بستگی داشت. شهرها از مازاد تولید روستاها و مازاد محصولات زمین‌های واقع در حومه‌ی خود بهره می‌بردند (خیرآبادی، ۱۳۷۶: ۲۱۳). وجود اراضی حاصلخیز در پیرامون شهرها به عنوان یک عامل مؤثر در جریان استمرار و گسترش زندگی شهری نقش ایفا می‌کرد. این امر مهم در مورد شهرهایی که در اقلیم نامناسب بودند، بیشتر دارای اهمیت بود. این وضع در حفظ و تداوم زندگی شهری در مواقع بروز بحران‌های سیاسی و لشکرکشی‌ها و محاصره شهرها، که امری مکرر در تاریخ ایران بود، بسیار اهمیت داشت (یوسفی-فر، ۱۳۸۹: ۱۴۸) مانند شهر اَرغیان(جاجرم) که در بیابانی بی‌آب و علف واقع بود و از شدت خشکی لشکر دشمن به آن شهر نمی‌رسید (حموی، ۱۲۶۲: ۱۸۶). نیز شهر مرو و ناحیه خوارزم (اصطخری، ۱۳۶۸: ۲۳۵) که اطراف آنها شوره‌زار و ریگستان بود و در بیابان‌های اطراف شهر آبی وجود نداشت. در این شهرها باغستان و کشت‌زار در حومه شهر واقع بود، که از آب شهر آبیاری می‌شد. زمین‌های کشاورزی در این شهرها درون حصار ربض قرار داشت تا در زمان جنگ از دستبرد دشمنان درامان بماند. هر چه مزارع به شهر نزدیک‌تر بود، کاشت و برداشت در آنها آسان‌تر و بهتر انجام می‌شد. بعضی از شهرها به طورکامل مایحتاج کشاورزی خود را تأمین می‌کردند و حتی مقداری از مازاد محصول آنها صادر می‌شد. در این شهرها به دلیل بیابانی بودن منطقه کشت به صورت دیم انجام می‌شد. مانند نیشابور و هرات و شهرهای اطراف آن‌ها (اصطخری، ۱۳۶۸: ۲۰۵-۲۱۰) ابن‌واضح‌یعقوبی(تولد:۲۸۴ه.ق.) در مورد ناحیه اشروسنه به عنوان یک منطقه مرزی اشاره داشته: «با وجود منطقه بیابانی شهرهای سرسبز و آباد فراوانی با محصولات بسیار دارد. که محصولات آنجا به جاهای دیگر نیز صادر می‌شود» (یعقوبی، ۱۳۴۲: ۴۳۱). همین توصیفات در مورد شهرهایی چون دَرغَم در اطراف سمرقند، کِیسانیه و کُش (اصطخری، ۱۳۶۸: ۲۵۲) قابل پی‌گیری است.

نزدیکی به چراگاه

در طول سده‌های میانه به دلیل وابستگی مردم به حمل‌ونقل بار توسط حیوانات و وابستگی آنان به آب و علف، لازم بود تا موقعیت شهر به چراگاه نزدیک باشد. اگر گفتار ابن‌خلدون (حیات سده۸و۹ه.ق.) در ضرورت جلب منافع برای شهر(ابن‌خلدون، ۱۳۷۵، ج۲: ۷۶۶) را ملاک بدانیم در آن دوران یکی از راه‌های اصلی جلب منافع نزدیک بودن شهر به چراگاه‌های احشام بود. زیرا هر یک از ساکنان شهر برای استفاده از زاد و ولد، استفاده از فراورده‌های دامی و حمل و نقل ناگزیر از داشتن تعدادی احشام و چهارپا بودند. چون داشتن چهارپا امری ضروری بود، و بسیاری از نیازهای ضروری مردم را برآورده می‌کرد. شهرهای ناحیه سغد،(مقدسی، ۱۳۶۱: ۹۳/۲) بخار و شهرهای اطراف آن (اصطخری، ۱۳۶۸: ۲۳۱)، شهرهای ناحیه چغانیان (مقدسی، ج۲، ۱۳۶۱: ۲۳۵/۲-۲۸۳) هرات و توابعش (اصطخری: ۲۱۱)، سمرقند و توابع آنجا (اصطخری: ۲۴۷) نیشابور و شهرهای اطرافش (اصطخری: ۲۱۴) و... از مزیت نزدیکی به چراگاه برخوردار بودند. اهمیت وجود منابع آب و خاک حاصلخیز در شکل-گیری و پویایی جوامع شهری و روستایی خراسان‌بزرگ تا آن اندازه مؤثر بود که تأثیرات آن در تار و پود زندگی شهرها به نحو برجسته‌ای خود را نشان داده است. به طوری که ساخت اکولوژی و الگوی توسعه فضای کالبدی شهرها اغلب با شرایط موضعی جغرافیای طبیعی مجاور شهر و در مسیر جریان آب منطبق بوده است. شکل‌گیری این شهرها، بر اساس گسترش شهر در کنار اراضی کشاورزی واقع می‌گشت. این شهرها

همچون فضایی زنده بودند که در بستر محیط جغرافیایی خاص تولد، رشد و کمال می‌یافتند (پوراحمد، ۱۳۷۰: ۶۶).

عامل نظامی (پدافندی- امنیتی)

یکی از عوامل مهم ایجاد یا گسترش شهرها در طول تاریخ عامل امنیتی و مسئله حفظ مردم و مرزها بوده است. این امر بخصوص در نواحی شمالی خراسان‌بزرگ قابل مشاهده است. اصطخری آورده: « ... از خوارزم تا ناحیت اسبیجاب تا سر حد فرغانه تا حدود ماوراءالنهر همه ترکستان است و مسلمانان را هیچ دارالحرب صعب‌تر و دشوارتر از ترکستان نیست. و خوارزم ثغر اسلام است در پیش ترکستان و همه ماوراءالنهر ثغر است» (اصطخری، ۱۳۶۸: ۲۲۹). در سده‌های دوم و سوم ه.ق. در ایران از جمله خراسان با پدید آمدن دولت واحد اسلامی از سویی و سازمان‌یابی حکومت‌های خودمختار محلی و منطقه‌ای (طاهریان، سامانیان و صفاریان در شرق سرزمین‌اسلامی) زمینه ایجاد ثبات نسبی در پهنه وسیعی از سرزمین‌های فتح شده در شرق و شمال شرقی پدید آمد. به دلیل تفویض قدرت دولت مرکزی به حکومت‌های محلی و طوایف برای مدت کوتاهی ثبات و امنیت در منطقه حاکم شد و مقوله «غارت- دفاع» از میان رفت. نتیجه این امر رونق داد و ستد و بازرگانی در سرزمین‌های شرقی دولت اسلامی بود. از سده چهارم‌ه.ق.، به سبب ورود هر چه بیشتر عنصر ترک به منطقه ماوراءالنهر بار دیگر بر شدت پدیده «غارت- دفاع افزوده شد. دلیل اصلی آن این بود که، این منطقه و شهرهای مهم آن به لحاظ اقتصادی در درجه‌ی بالاتری از پیشرفت قرار داشتند. اما مناطق ترک‌ها (ماوراءسیحون) فاقد هر گونه زندگی شهری بود. (اروجی و علی‌پور، ۱۳۹۲: ۲۴).

نویسنده حدودالعالم (تالیف:۳۷۲ه.ق.) چنین گزارش داده است: «و مردمانیند با سلاح و آلات دلیری و شوخی اندر حرب و ایشان هر وقتی بِغُزُو آیند به نواحی اسلام، به هر جایی کی افتد و بر کوبند و غارت کنند و زود بازگردند. »(حدودالعالم، ۱۳۴۰: ۸۶-۸۷) در این دوره شهرهای سرحدی خراسان‌بزرگ به دلیل موقعیت خوب استراتیژیکی شهرهای «اقتصادی- بازرگانی» بودند و به دلیل جذب جمعیت به سرعت گسترش یافته بودند. از طریق همین شهرها در زمان صلح مبادلات اقتصادی با مناطق ترک نشین و سرزمین‌های دورتر انجام می‌پذیرفت. ضمن آنکه برای کل مملکت اسلامی در مقابله با نیروی ترکان نوعی حایل و سپر محسوب می‌شدند. بنابراین همواره در معرض غارت به ویژه از طرف ترکان بیابان‌گرد قرار داشتند. لازم بود تا از نظر امنیتی به این ناحیه توجه خاص شود. پیش‌بینی اصول دفاعی که امکان محافظت از شهر (مردم، معیشت و بازار) را در مقابل دشمنان فراهم آورد امری ضروری بوده است.(اروجی- علی‌پور، ۱۳۹۲: ۲۵) از این‌رو به صورت‌های مختلفی از شهرها به خصوص در سرزمینهای مرزی محافظت می‌شد. بعضی از راه‌های ایجاد امنیت که خود زمینه گسترش شهرها را باعث می‌شد عبارت بودند از:

پدید آمدن شهرهای مرزی

ساختن رباط‌های مستحکم در مناطق مرزی یکی از راه‌های حفظ امنیت سرزمین اسلامی بود. گاهی اوقات رباط‌ها و استحکامات نظامی سرحدی به تدریج تبدیل به شهر می‌شد. شماری از اردوگاه‌های نظامی به همین طریق تبدیل به شهر شده‌اند (کاهن، ۱۳۶۳، ۴/ ۲۶۷). در این موارد سربازان و مردمی که برای تسهیل امر دفاع از سرزمین و اموال خود در مکانی مشخص، با هم جمع می‌شدند، هسته اولیه شهر بعدی را شکل می‌دادند. برخی از محققین تأثیر این عامل در پیدایش شهر را در قالب «نظریه دفاعی»شرح داده‌اند (شکوهی، ۱۳۷۰: ۱۴۵-۱۴۷). در این وضعیت ابتدا قلعه‌ها یا کهن‌دژها به عنوان هسته مرکزی شهر ظاهر و سپس سایر عناصر ضروری زندگی شهری در اطراف آن پدیدار می‌گشت. (ذکاء، ۱۳۷۴ : ۲۰۹) بسیاری از شهرهای ناحیه فرغانه(یعقوبی، ۱۳۴۲: ۲۱۴) و چاچ (حدودالعالم، ۱۳۴۰: ۱۱۶) در سرحدات خراسان‌بزرگ دارای همین الگوی گسترش بوده‌اند. « و در ثغرها کی در روی ترکستان است هیچ سغری عظیم‌تر از چاچ نیست و قصبه این ناحیت بنکث است» (اصطخری، ۱۳۶۸: ۲۶۰). اصطخری سپس در شرحی مفصل چگونگی حفظ شهر با دیوارهای تودرتو، خندق و دیواره کوه را بیان می‌کند. (همان، ۱۳۶۸: ۲۶۱) نگارنده حدودالعالم ناحیه الشاش(چاچ) را سرزمین مجاهدان پرشور اسلام خوانده و محصول خاص آنجا را تیروکمان ساخته شده از چوب خدنگ یاد می‌کند.(حدودالعالم، ۱۳۴۰: ۱۱۶)نیز شهر اسبیجاب که آنچنان به مرزهای ترکان نزدیک بود که جهت ترغیب مردم به سکونت در شهر، ساکنین از پرداخت خراج به دولت معاف بودند (اصطخری، ۱۳۶۸: ۲۶۳).

برپایی برج و بارو و کشیدن حصارهای تو در تو به دور شهرها

شرایط شکننده سبب می‌شد تا سازندگان شهرهای مرزی با استفاده از استحکامات متعدد به محافظت از شهرهای مناطق بپردازند. توجه به دفاع غیره‌عامل[۴] و بکارگیری اصولی که بدون استفاده مستقیم از سلاح بتوان از شهرها محافظت کرد، در ساختار طراحی شهرهای ناحیه امری ضروری بود. در طراحی شهرها تلاش بر آن بود تا با بکارگیری عناصر و عوامل متعدد در مقابل تهدیدهای متجاوزان مقاومت کرد و جان شهروندان حفظ شود. کشیدن حصار به دور شهر سنّتی بود که از ایران ساسانی به دوره اسلامی منتقل شد، زیرا به وسیله حصار امنیّت شهر تأمین می‌شد و در ایجاد عمران در شهر نیز مؤثر بود. (شکوهی، ۱۳۷۰: ۱۸۶) همچنین کنترل ورودی‌های شهرها به وسیله دروازه‌های متعدد و

وجود کهن‌دژ در شهرها از دیگر تمهیدات پیش‌بینی شده جهت محافظت از مردم بود. در خراسان با استفاده از تجربیّات گذشته در نحوه ساختن و طراحی حصار و برج‌های آن مجموعه مهمی از این نمونه‌ها ساخته شد که آثار آن تا روزگار امروز در شهرهای نیشابور، غزنه، بخارا و ... هنوز باقی مانده است.

توجه به حفظ امنیت شهرها آنقدر مهم بود که در بین فتواها و سفارش‌های علما و اندیشمندان جامعه نیز به آن اهمیت داده می‌شد. ابن‌ربیع فقیه دربار عباسی (حیات: سده سومه.ق.) در بین سفارش‌های خود به معتصم در هنگام پدید آمدن یک شهر می‌نویسد: «برای پیش-گیری از دست‌اندازی دشمنان بر شهر، حاکم باید حصاری پیرامون آن بکشد، زیرا کل شهر به منزله یک خانه است و توجّه به مسئله امنیّت شهر به تمام اقشار مردم اعم از فقیر و غنی مربوط می‌شود.»(ابن‌ربیع، ۱۹۵۶: ۶۵) تأثیر این فتوا به صورت عملی در مکتوبات تاریخی قابل پی‌گیری است: « و مردم ماوراءالنهر همه بر پُول و رباط هزینه کنند. و هیچ منزل نبینی در ماوراءالنهر الا کی به هر منزل رباطی و جایگاهی ساخته‌اند، زیادت از آن کی حاجت آید و آن را اوقاف و ارزاق پدید کرده و مردانگی ایشان خود باز گفته‌اند، و سبب آن است کی گردبرگرد ماوراءالنهر همه حربیانند» (اصطخری، ۱۳۶۸: ۲۲۹).

حصارهای شهرهای مرزی به صورت دایره‌های مستحکم تو در تو و پشت سرهم بنا می‌گشت. دایره اول کهن‌دژ، دایره دوم شارستان و دایره سوم حومه. اطراف حصار به وسیله‌ی دروازه-هایی ایمن با بیرون شهر ارتباط برقرار می‌کرد. به این طریق محله‌های شهر از دست‌برد راهزنان ترک محفوظ می‌ماند (مقدسی، ۱۳۶۱،ج۲: ۲۱۱) و این امکان برای نگهبانان شهر فراهم می‌آمد تا بر اوضاع امنیّت شهر تسلّط یابند. به‌عنوان نمونه: شهر بنکث (حدودالعالم: ۱۱۷)، شهر اسبیجاب (مقدسی، ۱۳۶۱، ۳۷۳/۲)، شهر طراز (اصطخری، ۱۳۶۸: ۲۶۷)، شهرخجند و بخارا (اصطخری، ۱۳۶۸: ۲۳۲-۲۶۴) دارای همین الگوی گسترش بودند. در باره بخارا آمده:« بخارا گیریم سرحد است و دارالملک» (اصطخری، ۱۳۶۸: ۲۳۲)«بخارا شهری بزرگ است و آبادان‌ترین شهریست اندر ماوراءالنهر و مستقر ملک مشرق است و کهن‌دژ است و شارستان است و ربض است. حدود بخارا دوازده فرسنگ است در دوازده فرسنگ و دیواری به گرد این کشیده به یک پاره و همه رباطها و ده‌ها در اندرون این دیوار است» (حدودالعالم، ۱۳۴۰: ۱۱۷).

بهره گرفتن از موانع طبیعی جهت حفظ امنیت شهرها

یکی از راه‌های مناسب جهت محافظت شهروندان در صورت امکان آن بود که، مکان احداث شهر به طور طبیعی مستحکم باشد و با کشیدن حصار بتوان استحکامات شهر را کامل کرد. با این کار مردم شهر می‌توانستند، در موقع خطر از شهر خود بهتر دفاع کنند. نوع امکانات طبیعی در شهرهای مختلف و در زمان‌های متفاوت با هم فرق داشت. برخورداری محل شهر از استحکامات طبیعی از قبیل قسمت‌های مسطح و دیواره‌های وسیع کوه‌ها، برگرداندن مسیر یک رودخانه یا نهر به گرداگرد شهر به وسیله ایجاد خندق، به طوری که جز از راه عبور از پل نتوان وارد شهر شد، یا ساختن شهر کنار رودها به طوری که رودخانه حائل بین دسترسی دشمن و شهر باشد، ایمنی شهر را افزایش داده و دشمن قادر به نفوذ و دستیابی به آن نمی‌شد. در بخارا، هرات و بلخ به دلیل واقع بودن در دشت‌های وسیع با استفاده از شیوه برگرداندن مسیر رودخانه به گرد حصار شهر و ایجاد خندق‌پرآب، زمینه امنیت بیشتر را فراهم آورده بودند. (ابن‌حوقل، ۱۳۶۶ :۳۶۵؛ نرشخی، ۱۳۶۳: ۶۳؛ حدودالعالم، ۱۳۴۰: ۱۰۰؛ مقدسی، ۱۳۶۱: ۲/ ۲۶۵).

در صورت نزدیکی کوه به شهر سعی می‌شد یکی از جانب‌های ایمن کوه انتخاب شود و به عنوان دیواری طبیعی جهت دفاع از شهر در نظر گرفته شود و به دور بقیه شهر حصار کشیده می‌شد. مانند شهر طالقان (تارفان) در نزدیکی بلخ (یعقوبی، ۱۳۴۲: ۲۷۸). در شهرهای ناحیه بدخشان به دلیل مجاورت با کوهستان و استفاده از ارتفاع کوه جهت محافظت، شهر کمتر به تسخیر دشمنان در می‌آمد.(بارتولد، ۱۳۷۸، ۱۷۱/۱) در سمرقند یکی از سمت‌های محافظ شهر سطح صاف کوه بود و سمت دیگر به وسیله خندق محافظت می‌شد.(اصطخری، ۱۳۶۸: ۲۴۳- ۲۴۷) در حقیقت موانع طبیعی در دفاع از شهرها بهتر و ایمن‌تر از موانع دست‌ساز می‌توانستند امنیت شهر را حفظ کنند، از دیگر نمونه شهرهایی که دارای چنین استحکاماتی بود می‌توان به شهر زامین در اطراف سمرقند (اصطخری، ۱۳۶۸: ۲۵۷) و شهر کاث در ناحیه خوارزم که در کنار رودخانه بنا شده بود و عمق رودخانه مانع ورود مهاجمان به شهر بود (اصطخری، ۱۳۶۸: ۲۹۹)، اشاره کرد. همچنین شهر چاچ (الشاش) مرکز ناحیه چاچ در کنار رودخانه بنا گشته بود و مانند شهر بخارا بارویی تمام شهر و نواحی اطراف آن را حفظ می‌کرد و به شکل نیم دایره‌ای رود ترک را از سمت شرق و رود سیحون را از سمت غرب گرداگرد چاچ به هم متصل می‌کرد (مقدسی، ۱۳۶۱، ۲۷۱/۲-۲۷۲). استفاده از موانع طبیعی جهت محافظت از شهرها ضمن داشتن صرفه اقتصادی از امنیت بیشتری نیز برخوردار بود.

تقویت توان نظامی شهرها

تقویت توان نظامی شهرها و کاربرد ابزارهای جنگی یکی دیگر از روش-های کاربردی در ایجاد امنیت و دفاع، در شهرهای سرحدی بود. مانند شهرهای سرحدی چاچ، (کاث) (مقدسی، ۱۳۶۱، ۲۸۸/۲)، اسبیجاب (حدودالعالم، ۱۳۴۰: ۲۱۳) و شومان در ناحیه سرحدی چغانیان (حموی، ۱۳۶۲: ۸۸) در ماوراءالنهر. در این شهرها همیشه ادوات مجهز جنگی جهت مقابله با دشمن موجود بود. حالت جنگ و صلح و اوضاع و شرایط

سیاسی در ارتباط با مناطق اطراف سهم مهمی در انتخاب مکان و میزان برپایی استحکامات دفاعی جهت حفظ امنیت شهر داشت. در تاریخ خراسان در سده‌های مورد اشاره، بارها شاهد حملات حاکمان رقیب یا اقوام مهاجم ساکن بیابان‌ها به شهرهای آباد و پرنعمت چون، سمرقند، بخارا و شهرهای ناحیه چاچ و فرغانه بوده‌ایم. که مردم ناچار بودند از جان و شهر خود دفاع کنند. از این‌رو علاوه بر سربازان، مردم ساکن شهرهای سرحدی، مردمانی جنگجو بودند و خود را با انواع وسایل جنگی جهت مقابله با حملات احتمالی مجهز می‌کردند، تا بتوانند از شهرهای خود محافظت کنند. « و شنودم کی مردمان چاچ و فرغانه چندان آلت و عدت دارند کی در هیچ سغر مسلمانی نیست و به همه روزگار لشکر ترک بر دیگر گروه مقدم بوده‌اند و اخبار ایشان مشهور است در پادشاهی و مردانگی. از این سبب را خطه ماوراءالنهر از همه اقلیم‌های اسلام استوارتر و آبادتر است و آلت و عدت ایشان از همه بیشتر.» (اصطخری،۱۳۶۸: ۲۳۰).

بازسازی و مستحکم ساختن شهرهای قدیمی

براساس اسناد تاریخی یکی ازمهم‌ترین دلایل گسترش شهرها در خراسان بزرگ در طول سده‌های سوم تاهفتم‌ه.ق. احیا و بازسازی شهرهای قدیمی بود، که قبلا انحطاط یافته و از موقعیت شهری ساقط شده بودند (یوسفی‌فر، ۱۳۸۵: ۳۰۹). بسیاری از شهرهای کهن که در آغاز ورود اسلام به خراسان رو به زوال نهاده بود، در طول سده‌های بعد گسترش فراوانی یافت. این گونه گسترش شهرها، در نتیجه تغییر شرایط امنیتی، سیاسی-اجتماعی و اقتصادی اتفاق می‌افتاد که بیشتر در نتیجه رشد مناسبات اقتصاد تجارت و تولید کالا یا اهمیت‌یابی دوباره یک منطقه به دلیل استعدادهای امنیتی- ارتباطی آن بود. همین سبب پدید آمدن مجدد مناسبات شهری در جایگاه یک شهر باستانی می‌شد (یوسفی، ۱۳۸۵: ۳۰۹).

ویژگی خاص جغرافیای منطقه خراسان‌بزرگ و همسایگی با قبایل کافر بیابان‌گرد و نیمه بیابان‌گرد در ماوراءالنهر، سبب شده بود تا در طول سده‌های متمادی این ناحیه به عنوان مرز بین دارالکفر و دارالسلام مطرح باشد (مقدسی، ۱۳۶۱،ج۲: ۳۹۵). زیرا با یورش‌های متعددی بویژه از سوی ترکان چادرنشین مواجه بود. از طرف دیگر ارتباط و دسترسی داشتن به همین مناطق، تجارت با بسیاری از دیگر مناطق را ممکن می‌ساخت. از این‌رو بسیاری از شهرهای زوال یافته بار دیگر احیاء شد. از جمله شهر بیکند؛ مسلمانان پس از غلبه بر بیکند آنجا را سوزاندند، اما مردم بیکند که شغل اصلی‌شان بازرگانی بود دوباره شهر را آباد کردند. نرشخی می‌نویسد: « گفته‌اند که هیچ شهری نبود که همه آن ویران شود چون بیکند و باز به دست همان شهربان زود آبادان شود چون بیکند.»(نرشخی، ۱۳۶۳: ۶۲) شهر بیکند در این دوره به شهر مدینه‌التجار معروف بود. (ابن‌الفقیه، ۱۳۷۹: ۱۷۵) (تالیف کتاب: ۲۹۰ه.ق.) در مورد شهر بخارا نیز تاریخ مشابهی وجود دارد که این شهر نیز پس از ویرانی توسط حسین- ابن‌طاهر، امیرخراسان به دلیل موقعیت پراهمیت امنیتی،اقلیمی و تجاری، در سال ۲۶۱ه.ق. توسط سامانیان شهر جدید در مجاورت شهر قدیمی بار دیگر بنا گشت. (نرشخی،۱۳۶۳: ۴۲؛ ۶۲؛ بارتولد، ج۱: ۴۸۰)شهر بلخ نیز پس از آنکه مدت‌ها ویران بود، در دوره اسدابن عبدالله قسری در سال۱۱۸ه.ق. احیا شد و این حکمران دستور داد، ساکنان شهر قدیمی به وطن خود بازگردند. (واعظ‌بلخی، ۱۳۶۳ :۳۴-۳۵) (حیات: سده۷ه.ق.)، دلیل این امر مرکزیت شهر بلخ برای کل خراسان‌بزرگ بود. از آنجا می‌شد کل منطقه را اداره نمود، امنیت سراسر ناحیه را تأمین کرد؛ ضمن آنکه از طریق راه‌های تجاری با دیگر مناطق مبادلات اقتصادی برقرار کرد (یعقوبی، ۱۳۴۲: ۹۳).

عامل بازرگانی(اقتصاد- تجارت)

می‌توان بزرگترین و مؤثرترین عامل رشد شهرهای خراسان‌بزرگ در طول سده‌های سوم تا هفتم‌ه.ق. را عامل بازرگانی دانست. در این دوره به دلیل غلبه آموزه‌های اجتماعی- فرهنگی دین اسلام بر نوع جریان زندگی مردم، به آرامی تغییرات گسترده‌ای در حوزه ارزش‌های مسلط بر مناسبات کار، روند تولید و زندگی اقتصادی جامعه پدید آمد. از جمله نتایج قابل توجه چنین فرایندی، تضعیف و کنار گذاشتن موانع ذهنی- اجتماعی بود که رشد جمعیت صنعت‌گر و گسترش رشته‌ها و مشاغل تولیدی شهرها را کاهش داده بود[۵]. به دنبال این امر در نمودهای متفاوت شهرهای این دوره شاهد تحولاتی است که زمینه‌های افزایش جمعیت شهرها و در نتیجه گسترش آنها را به دنبال داشت. از مهم‌ترین این امور می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

افزایش مشاغل تولیدی

در طول دو سده آغازین ورود سلام به ایران نوع آموزه‌های مذهبی سبب ظهور جریان تغییرات اجتماعی و دگرگون‌سازی ارزش‌ها و مناسبات قبل از اسلام گردید. این مناسبات در حقیقت آموزه‌هایی بودند که مؤید نابرابری لایه‌های اجتماعی و نهادینه شدن آن در مناسبات اجتماعی بود. در نتیجه چنین تغییراتی، فضای کالبدی شهر ساسانی که بر اساس تفاوت‌گذاری در منزلت سیاسی- اجتماعی افراد از شیوه «جدایی‌گزینی مکانی» پیروی می‌کرد، به سمت الگویی حرکت کرد که از حوزه نظری بر اساس معیارهای مساوات‌طلبانه و برابری خواهانه اجتماعی سامان می‌یافت. با ادامه این روند شهر ساسانی به آرامی شرایط نظری و عملی مناسب برای رشد مناسبات در دوره اسلامی را بدست آورد (یوسفی‌فر، ۱۳۸۹: ۱۴۷). در نتیجه، مشاغل تولیدی هم در زمینه کشاورزی و هم

در زمینه صنعتی رشد فراوانی یافت. ضمن آنکه تحولات ناشی از افزایش مشاغل تولیدی در شهرها، به صورت پدید آمدن محله‌های مختلف و اهمیت یافتن فضای اجتماعی آن‌ها در زندگی شهری نمود یافت.

ذکر اقلام تولیدی در هر شهر در کتب تاریخی به صورت مفصل بیان شده. از جمله به این موارد می‌توان اشاره کرد: در بخارا و توابعش پارچه‌های زیبای ابریشمی، کتانی و پشمی(نرشخی،۱۳۶۳: ۲۰)، همچنین، پارچه‌های نرم، جانماز، فرش، جامه پشمی برای رخت-خواب، کمربند برای اسبان، جامه اِشمونی، پیه، پوست آهو و روغن سر(مقدسی،۱۳۶۱، ۴۷۵/۲-۴۷۶) جامه‌های پنبه‌ای معروف به بخاری، فرش، جامه پشمی و سجاده نماز(ابن-حوقل،۱۳۶۶: ۲۱۷-۲۱۸) همچنین پارچه‌ای موسوم به «زندنیجی» که در شهر زندنه و بسیاری از شهرهای بخارا بافته می‌شد. در بافتن این پارچه کرباس چنان ذوق و سلیقه به کار می‌رفت که بعد از فرستاده شدن به عراق و فارس ارزش آن با دیبا برابری می‌کرد.(نرشخی، ۱۳۶۳: ۳۱-۲۲-۲۸؛ اصطخری، ۱۳۶۸: ۲۴۵) تولیدات ایالت سغد و شهرسمرقند، برده (جیهانی، ۱۳۸۴ :۱۸۷) (حیات: سده سوم و چهارم ه.ق.)، کرباس‌سمرقندی، دیگ‌های مسی و انواع تجهیزات اسب‌سواری بود. اما مهم‌ترین تولیدات سمرقند کاغذ مرغوبش بود (حدودالعالم، ۱۳۴۰: ۳۳۱). در مرو شتر، ابریشم‌خام، نخ‌ابریشم، لباس‌های ابریشمین، مقنعه، انواع پارچه، پنبه‌مرغوب، حلوا، نمک و سرکه، نیز خربزه با ماندگاری طولانی، روغن کنجد، عطرهای مختلف، ظروف مسین و ترنجبین تولیدمی‌شد. (اصطخری، ۱۳۶۸: ۲۶۱) تولیدات بلخ ترنج، نارنج، نیشکر، نیلوفر، شتر، همچنین کنجد، برنج، دوشاب، بادام، گردو ، انار و انگور بود. (حدودالعالم،۱۳۴۰: ۹۹) همچنین عطر و صابون بلخ در دیگر شهرها معروف بود (مقدسی، ۱۳۶۱: ۳۲۳/۲-۳۲۶). تولیدات پوشنگ چوب سرو (اصطخری، ۱۳۶۸: ۲۸۲)، تولیدات نیشابور جامه‌های ابریشم و کرباس‌باریک (اصطخری، ۱۳۶۸: ۲۰۵)، گوزگانان پوست بز دباغی شده (اصطخری: ۲۱۴)، سرخس شتر (اصطخری: ۲۱۵)، قائن کرباس و پلاس(اصطخری: ۲۱۶) بود.

علاوه بر تولیداتی که وابسته به کشاورزی و دامداری بود در بسیاری از شهرهای خراسان‌بزرگ معادن نیز استخراج می‌شدند. از جمله در نیشابور فیروزه(اصطخری: ۲۰۶)، در بادغیس، غور و پنج‌شیر نقره، که بهترین معادن نقره کل سرزمین اسلامی در پنج‌شیر بود (همان:۲۱۲- ۲۱۸- ۲۲۰) در سمرقند معادن زر، سیم، آهن و نقره(همان: ۲۲۷)، معادن لعل و سنگ‌های قیمتی در بدخشان(همان، ۲۳۰)، در فرغانه آهن، زفت، نفت و ژیوه(همان: ۲۵۵-۲۶۷). این تولیدات علاوه بر ایجاد کار برای مردم محلی، زمینه صادرات، ازدیاد ثروت شهرها و در نتیجه جذب جمعیت و گسترش شهرها را فراهم می‌آورد.

پدید آمدن بازارهای دائمی در شهرها

افزایش مشاغل تولیدی و نیاز فعالان اقتصادی به مبادله کالاهای خود، در بازار بعنوان مرکز مبادله کالا و تجارت در یک منطقه و نیز تجارت فرامنطقه‌ای، زمینه ایجاد بازارهای دائمی در یک مکان و در نتیجه جذب جمعیت را در شهرها را سبب می‌شد. این امر را می‌توان عامل مهمی در دلایل گسترش شهرها در دوره اسلامی دانست (شکوهی، ۱۳۷۳: ۱۴۳). به دلیل برپایی بازارهای‌موسمی مکرر در یک مکان خاص که معمولا محل اتصال روستاهای مختلف بود، به تدریج هسته اولیه پیدایش شهر شکل می‌گرفت. وجود بازارهای هفتگی، ماهانه، فصلی و حتی سالانه باعث پدید آمدن روستاها و سپس بر اثر ازدیاد جمعیت روستا باعث شکل‌گیری و گسترش شهرها می‌گردید این امر در مورد شهرهای خراسان‌بزرگ به صورت مفصل در کتاب‌های تاریخی قابل پیگیری است. در مورد بازارهای بخارا ذکرشده: «در اندرون و بیرون باروی شهر، بازارهای به هم پیوسته است که در مواقع معینی دایر می‌شود و مردم از جاهای مختلف به آنجا می‌آیند» (ابن‌حوقل، ۱۳۶۶: ۲۱۷). همچنین همین رویه را می‌توان در بازارهای توابع بخارا مشاهده کرد مانند: بازار طَواوِیس (ابن‌حوقل، ۱۳۶۶: ۲۱۶-۲۱۷)، بازارشَرَغ (نرشخی، ۱۳۶۳: ۱۸-۲۱) و بازار دَرَخشِه (نرشخی: ۲۲). شرح بازار نیشابور و وسعت آن و قسمت‌ها مختلفش (مقدسی، ۱۳۶۱، ۴۵۹/۲)، بازار بلخ (حدودالعالم، ۱۳۴۰: ۱۰۰)، بازار مرو (اصطخری، ۱۳۶۸: ۲۰۶-۲۰۸)، هرات (اصطخری: ۲۱۰)، غزنه (همان: ۲۱۹)، ترمذ (همان: ۲۳۴)، سمرقند (همان: ۲۴۷)، مرسمنده (همان: ۲۵۴) و دیگرشهرهای خراسان در کتب تاریخ بیان شده است. در بیشتر شهرها، یکی از دلایل مهم جذب مردم و ایجاد تجمعات انسانی یک‌جانشین و در نهایت تشکیل و گسترش شهر را باید عامل دادوستد و تجارت و پدید آمدن بازارها دانست.

اهمیت یافتن محله‌ها در ناحیه ربض شهرها

یکی از تحولات مهم و قابل توجّه در شهرهای خراسان سده‌های سوم تا هفتم‌ه.ق. از نظر شکل شهر، «انتقال مرکزیت از کهن‌دژ به حومه شهر بود. این تغییر زمینه گسترش شهرها را به همراه داشت. زیرا با ازدیاد مشاغل تولیدی و رونق تجارت، جمعیّت شهرها افزون گردید. بخصوص تعداد محلات متعلق به صنعت-گران، افزایش یافت. زیرا ازدیاد صنایع تولیدی در شهرها زمینه جذب بیشتر افراد را به هر شهر پدید می‌آورد. با گسترش حومه شهر حاکمان نیز در این قسمت استقرار یافتند، ضمن آنکه مسجد جامع به عنوان اصلی‌ترین نهاد سیاسی و مذهبی، اجتماعی شهر

نیز به مرور زمان در حومه شهر ساخته شد. همین بر اهمیّت ربض افزود و به نقطه ثقل شهرهای خراسان در دوره قبل از حمله مغول تبدیل شد.» (بارتولد،ج۱: دال) بخارا و نیشابور از شهرهایی است که براساس منابع تاریخی می‌توان محله‌های آن را باز شناسی کرد. نرشخی به به طور مفصل نام محله‌های بخارا و جای آنها را در شهر بیان کرده است. (نرشخی، ۱۳۶۳: ۴۱-۷۳-۷۴-۷۵-۷۹-۸۴-۱۱۱-۱۳۰-۱۳۱).

مقدسی در مورد نیشابور نوشته:« چهل‌ودو محله دارد که بزرگی بعضی از آنها به اندازه نصف شیراز است. خیابان‌های بزرگ آن که به دروازه‌ها ختم می‌شود از پنجاه کمتر نیست و مسجدجامع در ربض است.» (مقدسی، ۱۳۶۱، ۹۰/۲) الحاکم نیشابوری (حیات: ۳۲۱ تا ۴۰۵ه.ق.) نیز به محلات، میادین و رَبع‌های نیشابور به طور مفصل اشاره کرده است. ملاک باهم بودن افراد در هر محله، شامل: اشتراک در مذهب و آیین، اشتراک در شغل یا اشتراک در نسب یا هم‌شهری بودن افراد بود. معمولا افراد هر شهر یا هر آیین که در هر محله با هم زندگی می‌کردند، دارای مذهب مشترک و شغل‌های همسان به هم بودند (الحاکم نیشابوری، ۱۳۷۵: ۱۱۳).

واقع شدن در مسیر جاده‌های تجاری و رونق تجارت با دیگر مناطق

منطقه خراسان بزرگ به دلیل قرار گرفتن در سر راه جاده ایران و چین از یک طرف و سرزمین‌های شمالی (سرزمین ترکان و روسیه) از طرف دیگر، منطقه خوارزم و قفقاز و اروپای شمالی از طریق بیزانس، و تبادل محصولات کشاورزی و صنعتی همچنین تجارت برده همیشه دارای ارزش تجاری و بازرگانی بوده است. شهرهای خراسان‌بزرگ همیشه محل تبادل کالاهایی بود که در مسیر جاده‌های تجاری از شرق تا غرب جهان متمدن آن روز در حال ارائه بود. در دوره خلافت عباسی، یعنی دوره‌ای که حوزه فرمانروایی مسلمانان به بیشترین وسعت خود رسید، معرف‌ترین شاه‌راه تجاری، جاده‌بزرگ‌خراسان بود که به شرق می‌رفت و بغداد را به شهرهای ماوراءالنهر در حدود چین متصل می‌ساخت. مسیر این جاده تا حد زیادی منطبق با راهی است که امروزه جاده‌ابریشم نامیده می‌شود. این شاه‌راه از دروازه خراسان در مشرق بغداد شروع می‌شد و از رود دجله و صحراها می‌گذشت تا به حلوان می‌رسید. در حلوان وارد ایالت جبال می‌شد و آن را به صورت مورب طی می‌کرد و به سمت مشرق می‌رفت و پس از عبور از کرمانشاه و همدان به ری می‌رسید. آنگاه به سمت مشرق ادامه می‌یافت و از قومس می‌گذشت. این جاده که کوه‌های طبرستان در سمت چپ آن و کویر نمک در سمت راست آن قرار داشت، نزدیک بسطام به ایالت خراسان وارد می‌شد، از نیشابور و طوس می‌گذشت و به مرو می‌رسید. از آنجا وارد کویر می‌شد و در حدود آمل به ساحل رود جیحون می‌آمد. از آنجا بخارا و سمرقند را پشت سر می‌گذاشت و به زامین در مشرق سمرقند می‌رسید. در این محل راه دو شعبه می‌شد: راه سمت چپ به چاچ می‌رفت و از آنجا به اُترار در ساحل سیحون سُفلا منتهی می‌شد. راه دیگر از زامِین به سمت راست منحرف می‌گردید، به ایالت فُرغانه و سیحون عُلیا می‌رفت و پس از عبور از کرسی آن ناحیه، به اَوزکَنْد در مرز صحرای چین منتهی می‌گردید (اصطخری، ۱۳۶۸:۱۵۸؛ لسترنج، ۱۳۹۰: ۹؛ باسورث، ۱۳۸۴ : ۱۴۶). در دوره اسلامی، شهر بلخ تقریباً نقطه پایانی جاده بزرگ چین به سمت غرب و همچنین آخرین نقطه تسلط اسلام بر این بخش از جهان بود. ابن‌خرداذبه(حیات: ۲۱۱ تا ۳۰۰ه.ق.)، طول فواصل شهرها را در جاده‌های غرب به شرق، تا بلخ، به فرسخ بادقت تعیین کرده و بقیه فواصل را تا شهرهای چین و مغولستان و غیره به مقیاس روز در جاهای متعدد ذکر کرده است.

از سده دومه.ق. حکومت‌های محلیِ ایران همواره می‌کوشیدند بر بخش‌هایی از جاده تجاری که در قلمرو آنها بود تسلط یابند. طاهریان در۲۰۷ ه.ق. بر جاده‌های ری و خراسان، صفاریان در ۳۰۰ ه.ق. بر جاده‌های ری و نیشابور، آل‌بویه در ۳۵۷ ه.ق. بر جاده‌های ری و زنجان، سامانیان و سپس غزنویان در سده چهارم ه.ق. بر راه‌های خراسان تا کابل، سلجوقیان از ۴۲۹ ه.ق. بر نیشابور و سپس ری و همدان و غُزها در۵۸۴ه.ق. بر آذربایجان و راه‌های آن استیلا داشتند (باستانی‌پاریزی، ۱۳۶۷ : ۲۳۳). شهرهایی که در کنار این جاده تجاری واقع بود به طور طبیعی جمعیت را به خود جلب می‌کردند و زمینه گسترش آنها پدید می‌آمد. رفت و آمد کاروان‌ها در مسیر شهرها سبب می‌شد که در شهرها تغییراتی متناسب با فعالیت‌های بازرگانی به وجود بیاید. ایجاد کاروانسراها و استراحت‌گاه‌های متعدد بین‌راهی در بیرون شهرها و تیمچه‌ها و سراها در بازارهای شهری سبب جذب منفعت‌های کلان از یک طرف و جذب جمعیت و گسترش شهرها از طرف دیگر بود. اصطخری آورده: «و شنوده‌ام که در ماوراءالنهر زیادت از ده‌هزار رباط است که کی هرچند مردم کی آنجا برسد علف ستور و طعام مردم بدهند.» (اصطخری، ۱۳۶۸: ۲۲۸) مانند شهر دیزک در نزدیکی سمرقند که سراها و رباط‌های سبیلی در آن ساخته بودند، که در تمام ماوراءالنهر نمونه‌ای از آن زیباتر و پرنعمت‌تروجود نداشت. در این رباط بازرگانان جهت تجارت گرد می‌آمدند، ضمن آنکه این رباط نزدیک‌ترین نقطه به مرزهای دشمن بود (اصطخری، ۱۳۶۸: ۲۵۸).

شهرهایی که دلیل گسترش آنها عامل بازرگانی بود معیارها و ویژگی‌های خاصی داشت. بنای یک شهر در مسیر یک جاده اصلی باعث اهمیت آن شهر می‌شد. مانند شهر بیکند در بیرون باروی بخارا که

به عنوان یک شهر تجاری معروف بود به طوری که آمده هر یک از شهرها که با چین دادوستد داشتند، برای خود در کنار دروازه بیکند رباطی داشته‌اند. تعداد این رباطها را بیش از هزار عدد نوشته‌اند. که در هر یک از آنها دسته‌جات مسلح ساکن می‌شدند. تا به همراه کاروان‌های تجاری حرکت کرده و در برابر ترکان‌راهزن پایداری کنند (نرشخی، ۱۳۶۳: ۴۱؛ اصطخری، ۱۳۶۸: ۲۴۵؛ بارتولد، ۲/ ۲۷۵ -۲۷۶). همچنین شهر سمرقند به دلیل موقعیت قرار گرفتن بر سر جاده‌های تجاری رشد بسیاری کرد، مبدل به مرکز مبادلات تجاری شد و اقتصاد آن شکوفا گردید. همین سبب زندگی همراه با آسایش ساکنان آن شد. به طوری که حتی به دلیل اهمیت تجاری به صورت مرکز حکومت انتخاب شد. (نسفی، ۱۳۴۴: ۲۰۸) نیز در مورد خوارزم آمده:« در ولایت خوارزم معادن زر و سیم وغیرهما نیست. همه توانگری ایشان از بازرگانی ترک باشد. و برده صقلاب و خزر بیشتر آنجا افتد. و موی و روباه و فنک و سمور و سنجاب از خزر به خوارزم آرند.» (اصطخری، ۱۳۶۸: ۲۳۹) به دلیل تبادلات زیاد اقتصادی قیمت کالا در شهرهای بازرگانی زیاد نبود، در ضمن رساندن تدارکات به این شهرها به دلیل جاده‌های آباد، آسان بود. در شهرهایی که به واسطه تجارت توسعه می‌یافت، بعد از رسیدن و جمع شدن کاروان‌ها درآن شهرها، از آنجا عازم دیگر نقاط جهان می‌شدند. از این رو مثلا از سمرقند به عنوان دروازه ورود به چین و جای بازرگانان جهان یاد شده است. (ابن‌حوقل، ۱۳۶۶: ۱۵۲؛ قزوینی، ۱۳۶۶: ۲۵۵) سمرقند بندر تجاری ماوراءالنهر بود و بهترین بازرگانان منطقه پرورش یافته سمرقند بودند (ابن‌حوقل، ۱۳۶۶: ۱۵۲). کاروان-سراها و نیز بازرگانان در ربض مستقر بودند. سمرقند فرضه ماوراءالنهر و مجمع بازرگانان بود که همه متاع‌ها به آنجا می‌آمد و از آنجا به دیگر شهرها برده می‌شد (جیهانی، ۱۳۸۴: ۱۵۸).

نیز نیشابور بر سر راه‌های تجارتی قرار داشته است (ابن‌الفقیه، ۱۳۷۹: ۸۷–۱۶۷). از این شهر به عنوان دروازه شرق یاد شده. (حموی، ۱۳۶۲: ۲۲۳) «ثروت بازرگانانش (نیشابور) بسیار است، پارچه‌های ابریشمی و نخی آن شهر به نواحی دیگرصادر می‌شود. نساجان و بافندگان این شهر معروف‌اند، جامه‌های مَلهَم و تافته و رافته در این شهر پدید می‌آید که این جامه‌ها را به دیگر ولایات صادر می‌کنند» (ابن‌حوقل، ۱۳۶۶: ۲۲۸). همچنین در مورد بخارا آمده: «از او (بخارا) بساط و فرش و مُصلی نماز خیزد نیکو و پشمین و شوره خیزد کی بجای‌ها ببرند.» (حدودالعالم، ۱۳۴۰: ۱۰۶– ۳۲۹) نیز اجناس روحی و کرباس بخارا به همه ولایت‌ها برده می‌شد. (نرشخی، ۱۳۶۳: ۱۹) همچنین ولایت خوارزم ثغر زمین غز و همه توانگری مردم آنجا از بازرگانی با ترکان بود. (اصطخری، ۱۳۶۸: ۲۳۹) نیز شهرهای بلخ، کابل و غزنه جای بازرگانان و بارکده هندوستان(حدوالعالم، ۹۹:۱۳۴۰؛ اصطخری، ۱۳۶۸: ۲۲۰–۲۱۹)، هرات بارکده پارس و خراسان (اصطخری: ۲۱۰)، ترمذ بارکده و فرضه تجارت با غزان(اصطخری: ۲۳۴)، گرگانج فرضه و بارگاه غزان (همان: ۲۳۵) و صَبران مرکز بازرگانی با غزان (همان: ۲۴۳) ذکر شده‌اند.

پدید آمدن تجارت و بازرگانی سازمان یافته

به دنبال افزایش تولید محصولات و مصنوعات در شهرهای خراسان-بزرگ، همچنین رشد تخصص‌ها در زمینه‌های مختلف فعالیت تولیدی، به همراه واقع شدن در مسیرهای تجاری، مقدمه ایجاد بازرگانی سازمان یافته جهت صادرات محصولات به دیگر نقاط متمدن بوجود آمد. این کار با ساختن کاروان‌سراها از سوی دولت‌ها در شهرها و مناطق غیره-شهری و ایجاد امنیت راه‌ها جهت حمایت از بازرگانان توسط حکومت‌ها انجام می‌شد (نرشخی،۱۳۶۳ :۳۶؛ اصطخری، ۱۳۶۸: ۲۵۶). ضمن آنکه ساکن شدن صنعت‌گران در شهرها علاوه بر ایجاد رفاه عمومی، یکی از نشانه‌های شهرهای دارای مدنیت و از عوامل مهم گسترش شهرنشینی در خراسان بود. با حضور صنعت‌گران، صنایع رو به تکامل می‌نهاد و سبب رونق تجارت می‌شد.

با متنوع شدن فعالیت‌های تجاری، بازارها و مؤسسات تجاری نیز تنوّع پیدا کرد. این صنف‌ها بر اساس معیارها و مقررات اسلامی در سطح شهر، در چارچوبی که مانع از ضرر و زیان رسیدن به مردم می‌شد توزیع می‌شد (عثمان، ۱۳۶۷: ۸۲). نمونه این گروه‌بندی در شهرهای خراسان قابل پی‌گیری است. برای مثال: «در نیشابور حجره‌هایی مخصوص صاحبان حرف وجود دارد، از قبیل کلاه‌سازان، مس‌گران، خیمه‌باف‌ها، شیشه‌گران، زرگرها، کفش‌گران، خرازان، ریسمان‌گران و بزازان، که هریک بازارهای مخصوص به خود دارند» (ابن‌حوقل، ۱۳۶۶: ۱۶۱–۲۲۸؛ اصطخری، ۱۳۶۸: ۲۱۸؛ ابن‌رسته، ۱۳۶۵: ۲۰۳) در مورد مرو(اصطخری، ۱۳۶۸: ۲۰۸) و بخارا (مقدسی، ۱۳۶۱، ۲۴۵/۲). نیز همین نوع تقسیم بندی بازارها قابل پی‌گیری است.

در این دوره به دلیل ارتباط تجارت و صنعت در بازارها، و ایجاد صنف‌بندی تجاری، شغل‌های وابسته به دستگاه حکومتی مخصوص نظارت بر بازار و فعالیت‌های تجاری و حرفه‌ای پدید آمد و خدمات عمومی در چارچوب قوانین و مقرراتی که نهاد دولت مجری آن بودند، توسعه یافت. مؤسساتی که عناصر تشکیل دهنده آنها از بُعد اداری حاکم و هم‌کاران او بودند. در مرحله بعد کنترل خدمات عمومی به دست نیروهای امنیتی، از قبیل محتسب یا کلانتر بود. این‌ها سازمان‌هایی بودند که شهرها را اداره کرده و مشکلات آن را حل می‌کردند، در چهارچوب مقررات اسلامی آن را پیش می‌بردند و برای تکامل و ترقی آنها، زیر نظر عالمان دینی قوانین متناسب با احکام اسلامی را وضع می‌کردند (عثمان، ۱۳۶۷: ۲۰۳).

عامل سیاسی (حکومتی- اداری)

هرچند اوّلین پایتخت اسلامی شهر مدینه بود. با ادامه یافتن فتوحات مسلمانان در شرق و غرب جهان متمدن آن روز لازم بود تا در هر منطقه یک شهر به عنوان مرکز انتخاب شود. به شهرهایی که به عنوان مرکز حکومت محلی انتخاب می‌شد«اُم» می‌گفتند. بیهقی(حیات: سده سوم‌ه.ق.) می‌نویسد: «هر ولایتی را امّی است، اُم‌اَلقُری در عرب، مکه در عراق بغداد در مادون بغداد اصفهان، در ماوراءالنهر سمرقند و بالاخره در خراسان مرو است.»(بیهقی، ۱۳۵۰ : ۳۱۸) این پایتخت‌ها با تعیین والیانی که از طرف خلیفه تعیین می‌شدند، اداره می‌شد. مرکز حکومت دارالاماره هر منطقه نامیده می‌شد که به عنوان مرکز سیاسی و اداری تخت‌گاه و سرزمین‌های وابسته به آن عمل می‌کرد. دارالماره بعد از مسجد جامع یکی از محورهای اصلی برنامه ریزی شهرهای اسلامی به شمار می‌رفت. با روی کارآمدن طاهریان، سامانیان، غزنویان، قره‌خانیان و بعدتر سلجوقیان و تسلط طغرل بر مناطق تحت سلطه غزنویان و آل‌بویه، به مرور بر اهمیّت شهرهای قدیمی خراسان‌بزرگ افزوده شد. در این دوره شهرهای کهن منطقه مانند: مرو، بلخ، نیشابور، سمرقند و بخارا که از قبل به دلیل داشتن اهمیت سوق‌الجیشی- بازرگانی دارای حیات اجتماعی بودند. به جهت تبدیل شدن به مرکز حکومت در تمام زمینه‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی ترقی چشم‌گیری نمودند.

مهم‌ترین دلیل انتخاب شهرها جهت حکومت بین حاکمان به‌خصوص در منطقه خراسان، در حقیقت همان دلایل اولیه پدید آمدن شهرها بود. این دلایل شامل: توجه به نوع آب و هوا، در نظر گرفتن مسئله امنیت شهر و توانایی دفاع سریع از پایتخت و حکومت در برابر دشمنان داخلی و خارجی، واقع شدن در مسیر جاده‌های اصلی، هم جهت جابجایی لشکر و همچنین جهت سهولت در انجام تبادلات اقتصادی بود. اما «مهم‌ترین دلیل انتخاب یک شهر جهت حکومت را باید توجه به میزان درآمدزایی شهرها از طریق رونق تولید- تجارت و پرداخت مالیات به دولت‌ها دانست» (یوسفی‌فر، ۱۳۸۹: ۱۵۸). از این رو شهرهای قدیمی خراسان که در سده آغازین ورود اسلام به این منطقه از سکنه خالی شده و رو به ویرانی نموده بود. به دلیل اهمیت اقلیمی- امنیتی و تجاری از آغاز سده سوم‌ه.ق. یکی بعد از دیگری رو به آبادی و گسترش نهاد. این شهرها علاوه بر آنکه به موقعیت قبل از اسلام خود بازگشتند، به دلیل قدرت و ثروت دولت اسلامی که برخاسته از نوع آموزه‌های مذهبی بود؛ به موقعیتی بسیار برتر از دوره ساسانی دست یافتند. همین سبب جلب جمعیت و در نهایت رشد سریع شهرها را فراهم می‌آورد.

در برخی از موارد پس از این‌که یک فرمانده قصد ایجاد حکومتی مستقل را داشت شهری جدید را به عنوان پایتخت خود اعلام می‌کرد. همان‌گونه که امیراسماعیل سامانی زمانی که از حکومت برادر خود تمرد کرد، به دلیل اهمیت استراتیژیک- اقتصادی، بخارا را به عنوان مرکز حکومت برگزید و این شهر را در برابر سمرقند که مرکز حکومت سامانیان بود، به عنوان شهر رقیب انتخاب کرد.(نرشخی، ۱۳۶۳: ۵۹) یا اینکه سلجوقیان پس از پیروزی در دندقان بر مسعودغزنوی، نیشابور را به دلیل اهمیت جغرافیایی- اقتصادی، مرکز حکومت خود اعلام کردند و طغرل به عنوان سلطان در این شهرخطبه خواند.(پیرنیا، ۱۳۴۶ : ۴۹۳).

این شهرها به دلیل اهمیّت سیاسی ازجای‌گاه ویژه‌ای برخوردار بودند، زیرا قدرت سیاسی حاکم هر شهر یکی از معیارهای مدنیت آن شهر نسبت به سایر شهرها به شمار می‌رفت. همین امر سبب گسترش شهرهایی می‌شد که به عنوان مرکز حکومت معرّفی می‌گشت. ابن‌خلدون در تأثیر پایتخت شدن یک شهر بر ظاهر آن می‌نویسد:«عمران این قبیل شهرها به دلیل توجهی که سلاطین و حکام به آنها مبذول می‌دارند، افزایش می‌یابد، درحالی که شهرهای دور دست از این توجّه محروم می‌مانند. رسیدن به عمران شهری باعث می‌گردد که شهر به طور خودجوش از نظر عمرانی به طور مستمر توسعه یابد و عکس این مسئله هم صحیح است. یعنی رکود فعالیت در یک شهر باعث تسریع در فراموش شدن و ویران گشتن شهر و سپس مهاجرت مردم از آن و مرگ آن می‌شود» (ابن‌خلدون، ۱۳۷۵ ۸۷۳/۲- ۸۷۱). معمولا سلاطین مناطقی ویژه را به عنوان قلمرو اختصاصی جهت اسکان خاندان سلطنتی و شخصیت‌های درباری واگذار می‌کردند، نزدیکان حاکم هم در نزدیکی قصر سکنی می‌گزیدند. در نتیجه فعالیت‌های عمرانی به مرور روستاها و شهرهایی در آن نواحی به وجود می‌آمد.(یوسفی، ۱۳۸۹: ۱۵۵) نرشخی در تاریخ بخارا اشاره می‌کند که در زمان امیراسماعیل سامانی چند روستا و باغستان‌ها و زمین‌های کشاورزی اطراف آن در دست درباریان سامانی بوده است (نرشخی، ۱۳۶۳: ۴۷).

معمولا دارالأماره درکنار مسجد جامع ساخته می‌شد. زیرا «وظایف هر دوی آنها مکمل یک‌دیگر بود.» (ابن‌خلدون، ۱۳۷۵، ج۲: ۷۲۳) این سنت در شهرهای خراسان‌بزرگ در سده سوم تا هفتم‌ه.ق. رعایت می‌شد. (اصطخری، ۱۳۶۸: ۲۰۹؛ مقدسی، ۱۳۶۱: ۳۸۳/۲) به طوری که دارالأماره در نزدیکی شهر مردم عامه و در محلی مشرف بر شهر در کنار ربض به صورت قلعه‌ای محکمی قرار داشت. ارگ‌بخارا (اصطخری، ۱۳۶۸: ۲۶۵) و ارگ‌های دوگانه نیشابور (مقدسی، ۱۳۶۱، ۳۱۵/۲) نمونه خوبی از این موارد است که آثاری از آنها باقی مانده و در قسمت ربض شهر

بنا شده است. در بخارای دوره سامانیان هسته مرکزی شهر کهن‌دز بود، با دیوارهایی بلند که امیران سامانی در آن سکونت داشتند. زندان شهر در کهن‌دز بود و مسجدآدینه در کنار کهن‌دز قرار داشت. وسعت کهن‌دز نیم فرسنگ در نیم فرسنگ بود (ابن-حوقل، ۱۳۶۶: ۳۶۱). نرشخی در توصیف ارگ بخارا آورده: «و این حصار جای باشش پادشاهان و امیران و سرهنگان بود. و زندان‌ها و دیوان‌های پادشاهی و کاخ جای نشست پادشاهان از قدیم باز و سرای‌حرم و خزینه در وی بوده است» (نرشخی، ۱۳۶۳: ۴۰). نیز نیشابور در سده سوم و چهارم‌ه.ق. شهری بزرگ و بسیار آباد، مساحتش یک فرسخ در یک فرسخ بود (مقدسی، ۱۳۶۱: ۳۱۵). به نقل از اصطخری و مؤلف حدودالعالم در سده چهارم‌ه.ق. نیشابور ظاهراً دارای دو کهن‌دژ و دو شهر مجزا بوده است. که یک ربض هر دو شهر را دربر می‌گرفت. یکی از کهن-دزها دارالعماره بود.(اصطخری، ۱۳۶۸: ۸۶؛ حدودالعالم، ۱۳۴۱: ۱۶۳) دارالعماره نزدیک مسجد جامع در ربض بود و درمیدانی معروف به میدان حسین، قرار داشت. بنا دو دروازه داشت. یکی رو به شهر و یکی رو به ربض و گرداگرد آن، ربض واقع بود (مقدسی،۱۳۶۱ :۳۱۵- ۴۴۷).

هرچند در آغاز حکام ترجیح می‌دادند که درباریان در اطراف کاخ آنان ساکن باشند، اما به مرور زمان، به دلیل کمبود جا ترجیح می‌داد که بزرگان را در جایی دورتر از محل سکونت خود مستقر کند. (نرشخی، ۱۳۶۳: ۴۸) پراکنده شدن امرا در شهر، موجب افزایش عمران و گسترش شهر می‌شد. مکنت و موقعیّت اجتماعی این افراد، سبب می‌شد تا مناطق دیگر به خاطر آنها آباد شود. از طرفی علاقه برخی از این امرا به گردش در خارج شهر باعث می‌شد تا حومه‌ی شهرها نیز با تأسیس باغ‌ها و کاخ‌های ییلاقی و مناظر زیبا آباد شود. مثلاً باغ شمس‌آباد در زمان حاکمان قره‌خانی در ربض بخارا پدید آمد که علاوه بر خود حاکم، مردم عادی نیز اجازه تفرج در آن را داشتند.(نرشخی، ۱۳۶۳: ۵۲ ؛ ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۱۷۶).

شهرهای مرکزی گاهی با از دست دادن موقعیّت سیاسی خود به دلیل از بین رفتن یک دولت، از نظر عمران و آبادانی دچار رکود می‌شدند. مانند شهر مرو که با مرگ سلطان سنجر از اهمیت سیاسی آن کاسته شد (حموی، ۱۳۶۲: ۲۱۳). گاهی نیز پس از سقوط یک دولت و جای‌گزین شدن دولتی دیگر به جای آن، دولت جدید پایتخت قبلی را به عنوان مرکز حکومت خود برمی‌گزیند. با این کار عمران و آبادانی همچنان در این شهر ادامه می یافت. مانند قره‌خانیان که بعد از سرنگونی سامانیان تا مدّت‌ها، بخارا به عنوان یکی از پایتخت‌هایشان برای ایشان دارای اهمیت بود (نرشخی، ۱۳۶۳: ۶۱؛ غفوراف، ۱۹۹۷: ۲۶۴/۲).

نتیجه‌گیری

مهمترین نکته قابل برداشت در این پژوهش را باید هماهنگ بودن حکومت‌ها و مردم ساکن شهرهای سرحدی در چند نکته مشترک دانست: یکم: توجه ویژه به مسئله ایمنی شهرها در برابر دشمن خارجی. با توجه به اینکه ناحیه شمال و شرق خراسان بزرگ در معرض حمله قبایل بیابان‌گرد قرار داشت، لازم بود که با تمام توان از ثغر سرزمین اسلامی در برابر مهاجمان محافظت گردد. به این منظور، از انواع روش‌های تاکتیکی پدافندعامل و پدافند غیرعامل(اعم از رعایت مسائل امنیتی شهرها با برپاکردن حصارهای تودرتو، برج‌ها و دروازه‌های مستحکم، حفر خندق به گرد شهر، استفاده از موانع طبیعی چون کوه و رودخانه در برابر دشمنان و از همه مهم‌تر مسلح کردن مردم شهرهای مرزی) توسط حکومت‌ها و ساکنین محلی، بهره گرفته می‌شد. روش-هایی که تا زمان معاصر نیز امکان به روز رسانی و کاربرد را دارد. دوم: این مناطق دارای جاده‌هایی بود که از طریق آن مسلمانان می‌توانستند با دیگر نقاط ارتباط تجاری و داد و ستد اقتصادی برقرار کنند، کالاهای خود را صادر نموده و از همین راه‌ها موادکم‌یاب مورد نیاز را وارد نمایند. به همین دلیل شهرهای مرزی علارغم خطرهای امنیتی و نزدیکی به سرزمین دشمن، به‌خاطر جاذبه‌های اقتصادی- تجاری همواره جمعیت را به سوی خود جلب می‌کرد و زمینه گسترش شهرهای منطقه فراهم می-آمد. سوم: به دلیل شرایط ویژه اقتصادی، این شهرها تمهیداتی از طرف مردم و حکومتها پدیدآمده بود که زمینه رونق تجارت و ازدیاد ثروت شهرهای سرحدی را پدید آورده بود. از جمله این تمهیدات می‌توان به ساکن شدن صنعتگران و تولیدکنندگان شهری و روستایی اشاره کرد، که محصولات خود را بلافاصله بعد از تولید به بازارهای خارج از مرز ارائه می‌کردند. از طرف دولت‌ها نیز، توجه به مسئله ایمنی و راحتی جاده‌ها با ساختن رباط‌ها و کاروانسراها مورد توجه بود. البته این مهم نیز بر اساس مستندات تاریخی با همراهی مردم منطقه به انجام می‌رسید.

پی‌نوشت‌ها:

۱. جهت مطالعه در تأثیر فرهنگ ساسانی بر شهرسازی دوره اسلامی حبیبی، ۱۳۶۹؛ دیده شود.

۲. جهت مطالعه دلایل اصلی رشد شهرها والگوی گسترش‌آن در شهرهای ایران،ورجاوند، ۱۳۷۰؛ یوسفی‌فر، ۱۳۸۵و یوسفی‌فر ۱۳۸۹، درفهرست منابع‌دیده شود.

۳. به منظور آشنایی خوانندگان محترم با حدود تقریبی دوره حیات نویسندگان قدیم، در بار آغازین نقل قول از کتابهای

ایشان، به صورت مختصر حدود دوره زندگی یا تالیف کتابشان معرفی می‌گردد.

۴. جهت آشنایی بیشتر با دفاع عامل و دفاع غیره عامل در ماوراءالنهر مقاله اروجی، علیپور، ۱۳۹۲، در فهرست منابع دیده شود.

۵. این گونه موانع به آن دسته از آموزه‌های دینی دوره ساسانی مربوط می‌شوند که از نظر اجتماعی روستاییان را در مرتبه‌ای پست‌تر از شهریان ارزیابی می‌کرد و از نظر معیار ارزش کسب و کار ارزش بیشتری برای شغل‌های غیره مولد قائل بودند (یوسفی‌فر: ۱۳۸۹).

فهرست منابع

• ابن‌الفقیه الهمدانی، احمدابن‌محمد، (۱۳۷۹)، البلدان (مختصرالبلدان)، محقق محمدرضا حکیمی، مسعودح، فرهنگ ایران، تهران.

• ابن‌ابی‌ربیع، شهاب‌الدین احمد، (۱۹۵۶)، سلوک‌المالک‌فی-تدبیرالممالک، تحقیق عارف‌احمدعبدالغنی،دارکنان، دمشق.

• ابن‌حوقل، محمدابن‌علی، (۱۳۶۶)، سفر نامه(ایران در صورهٔ-الارض،امیرکبیر تهران.

• ابن‌خلدون، عبدالرحمن، (۱۳۷۵)، مقدمه‌ج۲، محمدپروین گنآبادی،علمی فرهنگی تهران.

• ابن رسته، احمدابن‌عمر، (۱۳۶۵)، اعلاق‌النفیسه، به کوشش حسین قره‌چانلو،امیرکبیر تهران.

• اصطخری،ابواسحاق‌ابراهیم، (۱۳۶۸)، مسالک الممالک، ترجمه تستری، به اهتمام ایرج افشار،علمی فرهنگی تهران.

• الحاکم نیشابوری، ابوعبدالله، (۱۳۷۵)، تاریخ نیشابور، خلیفه نیشابوری ، به همت شفیعی کدکنی،آگه تهران.

• اروجی، فاطمه، جوادعلی‌پور، (۱۳۹۲)، ساخت دفاع شهری ماوراءالنهر در قرون اولیه اسلامی، پژوهشنامه تاریخ اقتصادی و اجتماعی، سال دوم شماره ۲۰ ،از ص۱۹ تاص۴۳.

• بارتولد، واسیلی‌ولادیمیروویچ، (۱۳۷۳)، ترکستان‌نامه، مترجم کریم کشاورز، ج۳،آگه، تهران.

• باستانی‌پاریزی، محمدابراهیم، (۱۳۶۷)، کرمان، شهرهای ایران، ج۴، به کوشش یوسف کیانی،جهاددانشگاهی، تهران.

• باستانی‌راد، حسن، (۱۳۸۸)، واژه شناسی تاریخی شهر در ایران، مجله فرهنگ، شماره ۴زمستان. ازص ۱۹ تا ص ۵۶، شماره ۷۲.

• باستانی‌راد، حسن، (۱۳۹۱)، کوی(محله) در شهرهای ایرانی سده‌های نخستین اسلامی، مجله پژوهش‌های تاریخی، اسلام و ایران، از ص۱۰ تا ص۳۰، دوره ششم، شماره ۱۰، تابستان.

• باسورث، ادموندکلیفورد، (۱۳۶۴)، تاریخ غزنویان، مترجم حسن انوشه،امیر کبیر، تهران.

• بدری، روح‌الله، (۱۳۹۱)، تاریخ نیشابور، مجله تاریخ در آیینه پژوهش،شماره۲، از ص۵ تاص ۲۰.

• بیهقی، ابوالفضل محمد ابن حسین، (۱۳۵۰)، تاریخ بیهقی، مصحح علی‌اکبر فیاض،بی‌نا، مشهد.

• پوراحمد، احمد، (۱۳۷۰)، جغرافیا وساخت شهر کرمان، جهاد دانشگاهی، تهران.

• پیرنیا، حسین، (۱۳۴۶)، تاریخ ایران، عباس اقبال آشتیانی،ج۱، خیام، تهران.

• تورسون‌زاده، نذیرجان، (۱۳۷۷)، شهرهای ماوراءالنهر در دوران سامانیان، مجله‌خراسان‌پژوهی، شماره دوم. ص۳۰ تا ص۷۵.

• جیهانی، ابوالقاسم ابن احمد، (۱۳۸۴)، اشکال‌العالم، علی-عبدالسلام‌کاتب،،مشهد، به‌نشر.

• حبیبی، سیدمحسن، (۱۳۷۵)، از شار تا شهر، دانشگاه تهران، تهران.

• حموی، یاقوت ابن عبدالله، (۱۳۶۲)، برگزیده مشترک معجم-البلدان، محمد پروین گنآبادی، امیرکبیر، تهران.

• خیرآبادی،مسعود، (۱۳۷۶)، شهرهای ایران، ترجمه حسن-حاتمی‌نژادوعزت‌الله‌مافی، نیکا، مشهد.

• ذکاء، یحیی، (۱۳۷۴)، مفهوم ارگ و دژ یاهسته مرکزی شهرها در ایران، مجموعه مقالات کنگره شهرسازی و معماری در ایران، ، ج۱، ازص۲۰۹تاص۲۲۴، سازمان میراث فرهنگی، تهران.

• شکوهی، حسین، (۱۳۷۳)، دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری، سمت، تهران.

• شکوهی، مهرداد، (۱۳۷۰)، نفوذ شهرسازی ایران در هند، شهرهای ایران، ج۴، گردآوری محمدیوسف کیانی، ازص۲۸۰ تا ص۲۴۰، جهاددانشگاهی، تهران.

• صاحبی‌بزاز ، منصوره، (۱۳۹۴) پایان نامه دکتری، شهرسازی خراسان و ماوراءالنهر از سده ۹تا۱۳م/۳تا ۷ه، دانشگاه ملی تاجیکستان، دانشگاه هنر تهران، تهران.

• عثمان، محمدعبدالستار، (۱۳۷۶)، مدینه اسلامی، ترجمه علی چراغی، امیرکبیر، تهران .

• قزوینی، ذکریاابن محمدابن‌محمود، (۱۳۶۶)، آثارالعباد و اخبارالبلاد، ج۲، عبدالرحمان شرفکندی، مؤسسه علمی اندیشه جوان، تهران.

• کاستلو، فرانسیس، (۱۳۷۹)، شهرنشینی در خاورمیانه، عبدالعلی رضایی،نی، تهران.

• کاهن، کلود، (۱۳۶۳)، تاریخ ایران: قبایل شهرها سازمان بندی اجتماعی ایران از اسلام تاسلجوقیان، ج۴، حسن انوشه، پژوهش دانشگاه کمبریج، امیرکبیر، تهران.

• لسترنج، گی، (۱۳۹۰)، جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی، محمود عرفان، علمی فرهنگی، تهران. مجهول‌المولف، حدودالعالم، (۱۳۴۰)، به کوشش منوچهر ستوده، دانشگاه تهران، تهران.

• مقدسی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، (۱۳۶۱)، احسن التقاسیم-فی‌معرفه‌الاقالیم، ج۲، نقی منزوی، شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، تهران.

• نرشخی، ابوبکر محمد ابن جعفر، (۱۳۶۳)، تاریخ بخارا، ترجمه ابونظر محمد ابن عمر، تصحیح مدرس رضوی، طوس، تهران.

• نسفی، عزیزالدین محمد، (۱۳۴۴)، کشف‌الحقایق، اهتمام و تحقیق احمدمهدوی دامغانی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران.

• واعظ بلخی، ابوبکرعبدالله، (۱۳۶۳)، فضائل بلخ، ترجمه عبدالله ابن حسن حسینی بلخی، تصحیح و تحشیه محمدتقی رضوی، طوس، تهران.

• ورجاوند، پرویز، (۱۳۷۰)، شهرسازی و شهرنشینی در ایران، شهرهای ایران، ج۴، گردآوری محمد یوسف کیانی جهاد دانشگاهی، تهران.

• یعقوبی (ابن‌واضح)، احمد ابن ابی یعقوب، (۱۳۴۲)، البلدان، تصحیح محمد ابراهیم‌آیتی، بنگاه ترجمه و نشرکتاب، تهران.

• یوسفی، شهرام، (۱۳۸۵)، الگوی گسترش کالبد شهر در سده-های میانه تاریخ ایران، مجله شناخت،شماره۵۲ از ص۳۰۲تاص۳۱۹، ۵۲.

• یوسفی، شهرام، (۱۳۸۹)، الگوی پیدایش شهر و شهرنشینی در تاریخ ایران، مجله تاریخ ایران، شماره۵/۶۴، از ص۱۴۵ تا ص۱۷۰.